

استراتژیک

استراتژی ترامپ درافزایش تنش برای کاهش تنش

پایگاه تحلیلی «زیو مدیا» آمریکا در مطلبی به قلم «پان برمر» می‌نویسد؛ ایالات متحده کمپین «فشار حداکثری» علیه ایران را تشدید کرده است.

دونالد ترامپ در نامه‌ای که اوایل ماه مارس برای ایران ارسال کرد به تهران اولتیماتوم داد که «طی دو ماه با آمریکا به توافق هسته‌ای جدیدی برسید وگرنه با اقدام نظامی مستقیم روبه‌رو خواهید شد.» در این نامه به میانجی‌گری امارات متحده عربی که نمایندگانش حامل پیام بودند، ترجیح ترامپ برای راه‌حل دیپلماتیک ابراز شده بود. در این نامه ترامپ گفته بود که ترجیح می‌دهم توافقی صلح‌آمیز داشته باشیم تا گزینه دیگر.در سه هفته‌ای که ایران صرف بررسی چگونگی پاسخ‌دهی به نامه ترامپ کردند، آمریکا فشارها را افزایش داد. ابتدا، حملات هوایی سنگینی علیه یمن، متحد ایران در منطقه آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. سپس، آمریکا برای نخستین‌بار تحریم‌های علیه شرکت‌های چینی خریدار نفت خام ایران را اعمال کرد. در روزهای اخیر نیز ارتش آمریکا یک ناوگان بمب‌افکن پنهان‌کار B-۲ را به پایگاه «ده‌گو گارسیا» در اقیانوس هند، در نزدیکی ایران و یمن، منتقل کرد. ایران نهایتاً پنج‌شنبه گذشته به‌طور رسمی از طریق عمان، میانجی ترجیحی‌اش، مذاکرات مستقیم با آمریکا را رد کرد. مسعود پزشکیان اعلام کرد که جمهوری اسلامی تا زمانی که سیاست فشار حداکثری برقرار باشد، حاضر به گفت‌وگوی مستقیم با دولت ترامپ نیست، اما تمایل دارد از طریق عمان وارد مذاکره غیرمستقیم با واشنگتن شود. اما اینکه ضرب‌الاجل دوماهه ترامپ برای رسیدن به توافق نهایی است یا صرفاً آغز مذاکرات، هنوز مشخص نیست. در هر صورت، بعید است به‌ویژه پس از خروج یک‌جانبه ترامپ از توافق هسته‌ای در ۲۰۱۸، دو طرفی که چنین بی‌اعتمادی عمیقی به یکدیگر دارند بتوانند در چند هفته یا حتی چند ماه به سرسر مسائلی چون برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از نیروهای تحت حمایت ایران در منطقه‌ای به توافق برسند. اما آیا این یعنی اولتیماتوم ترامپ الزاماً به رویارویی منجر خواهد شد؟ نه الزاماً.

در واقع، استراتژی ترامپ «افزایش تنش برای کاهش تنش» است. در حالی که ساختار اطلاعاتی آمریکا می‌گوید ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست با این حال دولت‌های اروپایی مدت‌هاست هشدار داده‌اند که اگر ایران تا تابستان فعالیت‌های غنی‌سازی‌اش را مهار نکند، تحریم‌های سازمان ملل که در قالب برجام برداشته شده بودند را باز می‌گردانند، اقدامی که باید پیش از انقضای برجام در اکتبر انجام شود، چون پس از آن امکان حقوقی‌اش از بین می‌رود.

ژئوپولیتیک

فشار غیر مستقیم آمریکا به چین با تخاصم علیه ایران

واشنگتن با محدود کردن ایران، یکی از شرکای کلیدی چین در زمینه انرژی را تضعیف می‌کند و نفوذ چین را در منطقه ای که برای برنامه‌های طرح کمربند و جاده اش حیاتی است، محدود می‌کند.

مجله خبری آنلاین **the cradle** در تازه ترین نوشتار به بررسی اولویت‌های دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده در سیاست خارجی پرداخته و می‌نویسد: در طول دهه گذشته، چین حضور استراتژیک خود را در منطقه خلیج فارس عمیق تر کرده و به یک شریک تجاری برتر، واردکننده انرژی، سرمایه‌گذار و توسعه دهنده زیرساخت تبدیل شده است. غرب آسیا، به طور کلی، یک رابط زمینی و آبی حیاتی بین آسیا و اروپا است. مسیرهای ترانزیتی کلیدی برای موفقیت ابتکار کمربند و جاده (BRI) چین برای اتصال دو قاره در این منطقه قرار دارد. اما پروژه‌های بلندپروازانه غرب آسیا که توسط شی جین پینگ، رئیس جمهور چین راه اندازی شده می‌تواند در دولت دوم ترامپ با موانعی مواجه شود. دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، تنها در دو ماه اول ریاست جمهوری خود، دستورات اجرایی را برای اولویت دادن به صنعت داخلی امضا کرد، تعرفه‌هایی را بر طیف گسترده ای از واردات خارجی وضع و دکترین «اول آمریکا» را احیا کرد. در حالی که چین قصد دارد روابط متنوع خود را با منطقه حفظ و گسترش دهد، به نظر می‌رسد واشنگتن و پکن در مسیر تشدید رقابت در یکی از حساس ترین عرصه‌های ژئوپلیتیکی جهان هستند. یک سند طبقه بندی شده فاش شده، «اهدای موقت دفاع استراتژیک ملی» که اخیراً در این مجید مقامات پنتاگون منتشر شده است، موضع تهاجمی فزاینده ایالات متحده را تأیید می‌کند. وزیر دفاع کابینه ترامپ درگیری احتمالی با چین بر سر تایوان را به عنوان اولویت اصلی معرفی کرد در حالی که مهار روسیه را به متحدان اروپایی برون سپاری کرده است. خطرات دیگری نیز به ویژه از سوی کره شمالی، ایران و روسیه در این سند مورد اشاره قرار گرفته اما نگاه استراتژیک به وضوح به چین دوخته شده است.

هدف قرار دادن تهران برای تضعیف پکن

در این زمینه، ایالات متحده فشار بر متحدان خود را برای افزایش هزینه‌های دفاعی، به ویژه در اروپا، غرب آسیا و شرق آسیا افزایش می‌دهد. کارزار مداوم «فشار حداکثری» به ایران هفنی دوگانه دارد: مهار تهران و مختل کردن صادرات نفت ایران به چین. منطبق روشن است: واشنگتن با محدود کردن ایران، یکی از شرکای کلیدی چین در زمینه انرژی را تضعیف می‌کند و نفوذ پکن را در منطقه‌ای که برای برنامه های طرح کمربند و جاده اش حیاتی است، محدود می‌کند.

دیدگاه

دفاع اولیانوف از دیپلماسی در پرونده اتمی ایران



سفیر و نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین، لفاظی‌های رئیس‌جمهوری ایالات متحده درباره ایران را محکوم و تصریح کرد: تنها راه واقعی برای دستیابی به توافق با ایران، دیپلماسی است، نه تهدید یا استفاده از زور. میخائیل اولیانوف اظهار داشت: «ما قاطعانه با هرگونه تهدید مستفاده از زور از سوی ایالات متحده علیه ایران مخالفیم؛ چه برسد به تهدید حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای. ما این‌گونه سیاست‌ها را محکوم می‌کنیم. روسیه همواره بر این باور بوده است که تنها راه‌حل مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، مسیر دیپلماتیک است.»

وی با اشاره به تناقض در سیاست‌های واشنگتن گفت: «ما اکنون با یک پارادوکس مواجه هستیم. به رسمیت یک توافق چندجانبه بود که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ به درستی اجرا می‌شد و هدف آن، حل‌وفصل تمامی پرسش‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران از طریق سیاسی و دیپلماتیک بود. اما در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ در دولت ریاست جمهوری خود، به‌صورت یک‌جانبه از این توافق خارج شد و دستور موسوم به فشار حداکثری را علیه ایران اعمال کرد.» دیپلمات ارشد روسیه در وین بیان داشت: «اکنون، پس از گذشت هفت سال، به‌وضوح می‌بینیم که این سیاست کاملاً شکست خورده است. ایالات متحده به هیچ‌یک از اهداف اعلام‌شده خود نرسید؛ بلکه نتیجه‌ای کاملاً عکس حاصل شد. ایران ظرفیت‌های هسته‌ای خود را بیش از پیش توسعه داده و این امر باعث نگرانی کشورهای غربی شده است، در این حالی است که هدف اصلی برجام، دقیقاً رفع این نگرانی‌ها برای همیشه بود.»

اولیانوف افزود: «آنچه اکنون شاهد هستیم، آن است که دولت آمریکا سطح تنش را بیش از پیش بالا برده و به تهدیدهای نظامی و اعمال فشار متوسل شده است. با این حال، ترامپ همچنان مدعی است که خواهان رسیدن به یک توافق است. اگر چنین است، تنها راه واقعی برای دستیابی به توافق، دیپلماسی است، نه تهدید یا استفاده از زور.» سفیر روسیه در بخش دیگری از این مصاحبه یادآور شد: «این همه‌چیز دیگر که در این زمینه نباید نادیده گرفته شود این است که ایران به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای، عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است. این پیمان، سنگ بنیان معاری امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود و ایران تأسیسات هسته‌ای خود را تحت نظارت جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده است.»

مردم‌سالاری

ریسپانسibil استیت کرافت» بررسی کرد

مرد دیوانه همچنان غیر قابل پیش‌بینی



محتاطانه‌ای در تهران برانگیخت. زمانی که هوک به‌خاطر انتقاد از سیاست «ممانشات» دولت بایدن در برابر ایران از تیم انتقالی ترامپ در امور خاورمیانه، استیو ویتکاف، ادعا می‌کند رهبر روسیه از او خواسته که «برایان هوک از مرکز ویلسون؛ اخراجی!» آن را به رئیس‌جمهور برساند، نمونه‌ای واضح از ماهیت و شاید هم محدودیت‌های چنین تملق‌های استراتژیکی است.

به گزارش ریسپانسibil استیت کرافت، احتمالاً مقامات جمهوری اسلامی ایران هرگز تن به چنین نمایش‌هایی نمی‌دهند. با این حال، ممکن است تهران درک کرده باشد که مذاکره‌کنندگانش می‌توانند از نیاز پاسدار ترامپ به نمایش مهارت دیپلماتیک جهانی‌اش برای کسب امتیازاتی در توافق هسته‌ای استفاده کنند. چون بی‌ثباتی ترامپ

می‌تواند درهایی را باز کند یا همان‌قدر سریع ببندد، همواره بین‌المللی و حتی مستقیم بخوهد خودش هم‌بهران در تلاش‌شان که رویکرد بی‌استراتژی او به جهان را مهار کنند یا از آن بهره برند.

از این رو جای تعجب نیست که در حالی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، پس از آخرین تهدید ترامپ تأکید کرد که «مسیر مذاکرات غیرمستقیم همچنان باز است»، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داد که نیروهای آمریکایی مستقر در «حداقل ده پایگاه در اطراف ایران» در واقع «درون اتاقی شیشه‌ای نشسته‌اند.» در مواجهه با سیاست خارجی مبتنی بر واکنش‌های آنی ترامپ، رقبای او در درک خطوط قرمز واقعی‌اش با دشواری روبه‌رو هستند.

امید و تردید در تهران

روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نمونه روشنی از این وضعیت است. بد نیست به یاد آوریم که شایعه شد در نامبر ترامپ ایلان ماسک با سعید ایروانی، سفیر ایران در سازمان ملل، دیدار کرد. یک وب‌سایت محافظه‌کار ایرانی در واکنش به این دیدار غیرمنتظره نوشت: «به نظر می‌رسد ترامپ واقعاً تصمیم گرفته‌رو رویکرد متفاوتی اتخاذ کند. شاید همان‌طور که (زورسر خارجه) عباس عراقچی گفته، از «فشار حداکثری» به «فعلاتیبت حداکثری» رسیده‌باشد.» این تحلیل، بزباتی از گفته پیشین عراقچی بود که «فعلاتیبت حداکثری» احتمالاً نتیجه متفاوتی به بار خواهد آورد و به نظر می‌رسید برای آزمون ترامپ بیان شده است.

تصمیم ترامپ در اواسط ژانویه برای حذف محافظان امنیتی از مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق، و برایان هوک، نماینده ویژه پیشین آمریکا در امور ایران که هر دو از معماران اصلی سیاست «فشار حداکثری» در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ بودند، امید

در مواجهه با سیاست خارجی مبتنی بر واکنش‌های آنسی ترامپ، رقبای او در درک خطوط قرمز واقعی‌اش با دشواری روبه‌رو هستند. دونالد ترامپ در واکنش‌های تند بخشی از یک استراتژی بزرگ و حساب‌شده موسوم به «مرد دیوانه» نیست، بلکه حاصل نیاز آشکار ترامپ به نمایش قدرت است.

بنای به نوشته «ریسپانسibil استیت کرافت» هفته گذشته، رئیس‌جمهوری هیچ پیشینه‌ای برای توافق درباره او‌گراین ارائه نکرده، و هشدار داد ممکن است تعرفه‌های ثانویه‌ای بر فروش نفت روسیه اعمال کند. او همچنین تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی ایران توافق نکند، «جیماران خواهد شد.» این واکنش‌های تند بخشی از یک استراتژی بزرگ و حساب‌شده موسوم به «مرد دیوانه» نیست، بلکه حاصل نیاز آشکار ترامپ به نمایش قدرت است.

مهم این است که چگونه باید به این نمایش قدرت پاسخ داد. مثلاً سفارش پرتزهای ترامپ توسط پوتین که فرستاده شخصی ترامپ در امور خاورمیانه، استیو ویتکاف، ادعا می‌کند رهبر روسیه از او خواسته که «برایان هوک از مرکز ویلسون؛ اخراجی!» آن را به رئیس‌جمهور برساند، نمونه‌ای واضح از ماهیت و شاید هم محدودیت‌های چنین تملق‌های استراتژیکی است.

به گزارش ریسپانسibil استیت کرافت، احتمالاً مقامات جمهوری اسلامی ایران هرگز تن به چنین نمایش‌هایی نمی‌دهند. با این حال، ممکن است تهران درک کرده باشد که مذاکره‌کنندگانش می‌توانند از نیاز پاسدار ترامپ به نمایش مهارت دیپلماتیک جهانی‌اش برای کسب امتیازاتی در توافق هسته‌ای استفاده کنند. چون بی‌ثباتی ترامپ

می‌تواند درهایی را باز کند یا همان‌قدر سریع ببندد، همواره بین‌المللی و حتی مستقیم بخوهد خودش هم‌بهران در تلاش‌شان که رویکرد بی‌استراتژی او به جهان را مهار کنند یا از آن بهره برند.

از این رو جای تعجب نیست که در حالی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، پس از آخرین تهدید ترامپ تأکید کرد که «مسیر مذاکرات غیرمستقیم همچنان باز است»، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داد که نیروهای آمریکایی مستقر در «حداقل ده پایگاه در اطراف ایران» در واقع «درون اتاقی شیشه‌ای نشسته‌اند.» در مواجهه با سیاست خارجی مبتنی بر واکنش‌های آنی ترامپ، رقبای او در درک خطوط قرمز واقعی‌اش با دشواری روبه‌رو هستند.

توافق «به‌خوبی پیروزی نظامی» است، حاکی از آن است که او در حال تلاش این پیام به تهران است که چه از طریق مذاکره، چه از راه زور، دولتش ایران را وادار خواهد کرد تأسیسات عظیم غنی‌سازی‌اش را به‌طور کامل برچیند. اما این خواسته‌ای است که هیچ مفسر ایرانی هرگز نمی‌تواند بپذیرد.

همان‌طور که رهبر جمهوری اسلامی و عباس عراقچی به‌وضوح اعلام کرده‌اند، ایران هیچ‌گونه اولتیماتوم از سوی آمریکا را نمی‌پذیرد. به گفته او، «مذاکراتی که برخی دولت‌های زورگو دنبال می‌کنند، برای حل مسائل نیست، بلکه برای تحمیل انتظارات خودشان است.» اگر برداشت تهران از لحن این نامه درست باشد؛ یعنی پیشنه‌های از نوع «پیشنهاد بدون امکان تغییر»، نگاه آمریکا، اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران ممکن است واقعاً در مسیر یک رویارویی نظامی قرار گرفته باشند.

شراکت بی‌مرز ترامپ و نتانیاهو؟

در حالی که نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، به‌شدت از یک حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران استقبال خواهد کرد، شگفت‌آور است که تنها شش هفته پیش، رسانه‌های اسرائیلی پر بود از گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر اینکه، به‌قول یکی از نویسندگان

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۴ - ۷ شول ۱۴۴۶ - ۶ اوتیل ۲۰۲۵ - سال بیست‌و چهارم - شماره ۶۵۰۶

بولیونیک

هاآرتص بررسی کرد

سردرگمی تل آویو درباره رفتار ترامپ

«به نظر می‌رسد که جز همان دعوت به مذاکره، رئیس‌جمهور آمریکا هیچ برنامه عملی مشخصی در پرونده ایران ندارد. او همچنین در سال ۲۰۱۸ از توافق اولیه هسته‌ای خارج شد، بدون آن‌که برنامه‌ای برای روز بعد داشته باشد.» روزنامه اسرائیلی «هاآرتص» در گزارشی با اشاره به تهدید جمهوری اسلامی ایران از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده چه در پرونده یمن و چه در موضوع هسته‌ای می‌نویسد: هرچند ترامپ دستور حمله‌ای بی‌سابقه به پایگاه‌های یمنی‌ها را صادر کرد، اما هنوز مشخص نیست هدف نهایی این حمله چه بوده است، بازدارندگی؟ تضعیف توانمندی‌ها؟ سرنگونی حوثی‌ها؟ یا شاید مجبور کردن آن‌ها به مذاکره برای توقف حملات؟

ماه اگوست گذشته، ترامپ با طعنه در پلتفرم ایکس نوشته بود: «چه کسی در خاورمیانه برای ما مذاکره می‌کند؟ همه‌جا بمب می‌بارد، جو بایدن خواب‌الود در ساحل کالیفرنیاست.» اما حالا این بمب‌های ترامپ هستند که «ز» همه‌جا می‌بارند»، و حملات آمریکا در واقع نسبت به اقدامات جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین، ترسناک‌تر بوده‌اند. با این حال، این حمله هنوز نتوانسته‌اند آتش حملات موشکی یمنی‌ها را خاموش کنند.

این رسانه در ادامه ادعا می‌کند: در مورد تهدیدهای ترامپ علیه ایران چه می‌توان گفت؟ طبق گزارش «پاراک رواید» در پایگاه «اکسیوس»، هفته گذشته شمارش معکوس ۶۰ روزه‌ای شد که ترامپ به ایران فرصت داده تا به توافق جدید هسته‌ای برسد. اما مشخص نیست آیا نامه‌ای که ترامپ از طریق امارات برای ایران فرستاده، شامل تهدید هم بوده یا نه، تهدیدی مبنی بر اینکه اگر تهران دعوت به مذاکره را نپذیرد، با اقداماتی مواجه خواهد شد.

ایران البته به تهدیدهای ترامپ عادت دارد و هم‌زمان پیش‌بینی گام بعدی ترامپ همواره سخت است. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که جز همان دعوت به مذاکره، هیچ برنامه عملی مشخصی نه دیپلماتیک و نه نظامی برای مواجهه با ایران ندارد. او همچنین به شدت افزایش داده و سطح غنی‌سازی را از سقف ۶۷/۳ درصدی به سطح ۶۰ درصد رسانده است.

در این میان، تنها پرونده ایران نیست که از سوی رئیس‌جمهور آمریکا با بلاکلیفی روبه رو شده است. بیش از دو میلیون ساکن نوار غزه نمی‌دانند که باید وسایل باقی‌مانده‌شان را جمع کنند و آماده کوچ شوند که بازگشت از آن غیرممکن است یا به دنبال چادر یا ساختمانی بگردند که هنوز کاملاً ویران نشده، تا در جریان جنگی که دوباره از سر گرفته شده و مدت آن نامشخص است، سرپناهی داشته باشند.

رئیس‌جمهورش را از لبه پرگاه عقب بکشد. موفقیت این تلاش تا حدی به این بستگی دارد که آیا ترامپ توان روانی لازم برای حمایت از مصالحه‌های واقعی را دارد یا نه.

در همین راستا، شاید برای جلوگیری از این سناریو، مشاور امنیت ملی ترامپ، مایک والتز، اخیراً اعلام کرده که چیزی کمتر از «پنهام کامل» برنامه هسته‌ای ایران قابل قبول نیست، موضع‌گیری که می‌تواند در تضاد با تلاش‌های ویتکاف باشد. جنگ بر سر تفسیر حرف‌های ترامپ، نه تنها در واشنگتن، بلکه در تهران نیز ادامه دارد. چند روز پیش از تهدید ترامپ به بمباران ایران، منابع دولتی در تهران مدعی شدند که نامه ترامپ «حقیقاً روشن نیست، اما اولتیماتوم هم نیست.» در همین حال، اظهارنظر عراقچی مبنی بر اینکه «مذاکرات غیرمستقیم می‌تواند ادامه یابد»، توسط یکی دیگر از مشاوران نزدیک رهبر جمهوری اسلامی نیز تکرار شد.

در حالی که رئیس‌جمهور ایران هم همین موضع را علناً بیان کرده، اما با رسوایی اخیر در گروه چت سنسیتل، بعید است مقامات ارشد دولت آمریکا حاضر شوند خود را به خطر بیندازند تا به موضع ترامپ درباره جمهوری اسلامی ایران، روسیه یا دیگر کشورهای تأثیر بگذارند. همانند هم‌تاینانان تهران، اورشلیم و مسکو، مشاوران امنیتی ترامپ باید با احتیاط در مسیر مدیریت خلق‌و‌خوی انفجاری و تکانه‌های ناپایدار او حرکت کنند.

وزاری خارجه مصر، عربستان، اردن، امارات و قطر به همراه «حسین الشیخ» دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در دوحه با «استیو ویتکوف»، نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، دیدار کردند. آن‌ها درباره طرح مصف‌تروگو کردند و ظاهراً توافق شد که رازینه‌ها برای پیشبرد این طرح آماده بکند. ترامپ طرح مصر را رد کرده و گفته که این طرح واقعیت‌های میدانی در غزه را نادیده گرفته است. با این حال، وزیران حاضر در جلسه با این احساس جلسه را ترک کردند که ویتکوف تمایل دارد طرح را بررسی کند و آن را مبنایی بالقوه برای ترتیبات پس از جنگ در غزه می‌داند.

آغاز دوباره جنگ در غزه، تقدیر یا سرنوشتی اجتناب‌ناپذیر نبود، بلکه نتیجه مستقیم نقض یک‌جانبه آتش‌بس توسط اسرائیل بود، توافقی که ویتکوف برای دستیابی به آن روزها وقت صرف کرده بود. طبق توافق، قرار بود در سوم فوریه، مذاکرات درباره مرحله دوم آغاز برقراری آتش‌بس دائمی پایان جنگ و آزادی تمامی اسرا. اما اسرائیلی حتی مذاکره‌کنندهای نفرستاد. سپس به‌طور یک‌جانبه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه را متوقف کرد و تأمین اندک برق باقی‌مانده را نیز قطع کرد. ترامپ به این نقض‌ها واکنش مستقیمی نشان نداد. اما «دوروتی شیا» نماینده موقت آمریکا در سازمان ملل گفت: «تمام مسئولیت جذاب‌تری جدید بر عهده حماس است» و افزود: «ما از اقدامات بعدی اسرائیل حمایت می‌کنیم.» دو هفته پیش، برخی اسرای آزادشده به ترامپ گفتند که او به آن‌ها امید داده و «از سوی فرستاده شده است.» اما به‌ظنر می‌رسد این امید در بین رفتن است و مأموریت الهی ترامپ هم احتمالاً با همین اسرایی که آزاد کرده، به پایان خواهد رسید.

ترامپ که هیچ برنامه یا استراتژی جایگزینی برای آینده غزه ندارد، ممکن است پرونده غزه را رها کند و وقتش را صرف موضوعات جذاب‌تری مثل منحل کردن وزارت آموزش آمریکا یا نزدیک‌تر شدن به ولادیمیر پوتین کند. فاجعه انسانی در غزه برای او بی‌اهمیتی ندارد. کنگره‌ای هم کار نیست که مانند دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش فروش سلاح به عربستان را متوقف کند تا به جنگ بین پایان دهد. چندین موضوع دیگر هم که نیاز به سیاست‌گذاری هدفمند آمریکا دارند، در مسیر میان یمن، غزه و ایران رها شده‌اند: اشغال سرزمین‌های لبنانی توسط اسرائیل و تعیین مرز زمینی میان دو کشور؛ تسلط اسرائیل بر بخش‌هایی از سوریه؛ سیاست آمریکا در قبال رژیم جدید سوریه؛ خروج نیروهای آمریکایی از سوریه؛ تعهد آمریکا به حمایت از کردهای سوریه و جنگ داخلی خونین در سوودان. همچنین هنوز نمی‌دانیم چه چگونگی خواهد روند عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و عربستان را پیش ببرد یا اینکه آیا حاضر است بدون عادی‌سازی، حملات دفاعی یا ریاضی امضا کند یا نه.

مدعی شد که حماس ایدئولوژیک نیست، باید در توافق پس از جنگ نقش سیاسی داشته باشد، و مصالحه واقعی با حماس و ایران برای دستیابی به ثبات ضروری است؛ ثباتی که به گفته او، هدف شماره یک ترامپ در سیاست خارجی است.

ویتکاف همچنین به‌نوعی سخنان قبلی خود ترامپ را تعدیل کرد، او تأکید کرد که نامه ترامپ به تهران اولتیماتوم نبوده، بلکه هدف آن توافقی با امکان «استی‌ازم‌ای» است و اینکه گزینه نظامی، گزینه‌ای «خیلی خوب» نیست.

هشدار به تحلیلگران

مصاحبه ویتکاف طوفانی در رسانه‌های اسرائیلی به پا کرد. او، که یکی از فرستادگان مورد‌اعتماد ترامپ است، در حال تلاش برای

تبدیل گفته‌های پرآکنده و مبهم ترامپ به چیزی شبیه به سیاست منسجم است. اما اگر خاورمیانه منفرج شود، یا حتی به نظر

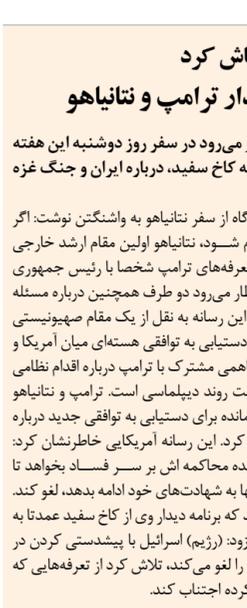
برسد در چنین مسیری است، ترامپ ممکن است دوباره با سختی نسنجیده همه را غافلگیر کند، و تحلیلگران در تهران، اورشلیم و واشنگتن را به تفسیر وادارد.

با این حال، اگر ویتکاف بتواند واکنش‌های تند ترامپ را بدون آنکه او را خجالت‌زده یا خشمگین کند، کنترل کند، شاید بتواند

این اظهارنظر، که هم‌زمان با جنجال بر سر اخراج رئیس‌شلیاک (سرویس امنیت داخلی اسرائیل) توسط نتانیاهو در ۲۰ مارس مطرح شد، به بحران قانون اساسی اشاره دارد که می‌تواند اسرائیل را به سوی نوعی جنگ داخلی سوق دهد. با این حال، حزب لیگود به رهبری نتانیاهو، بی‌توجه به این هشدارها اعلام کرد که «هر‌ت‌زگ به دولت پنهان پیوسته است.» به گزارش اکو ایران، ریسپانسibil استیت کرافت تأکید می‌کند که نتانیاهو و متحدانش بر این باورند که با تقلید از پارانویسا و نظریه توطئه ترامپ، می‌توانند خود را با رئیس‌جمهور آمریکا در یک موضع سیاسی و استراتژیک یکسان نشان دهند و از این تشابه بیشترین بهره‌برداری را بکنند. با وجود همراهی ظاهری، نتانیاهو با احتیاط حرکت می‌کند؛ چرا که شکاف‌های داخلی اسرائیل در حالی که جنگ در غزه گسترش می‌یابد و حملات نظامی در لبنان و سوریه شدت می‌گیرند، عمیق‌تر خواهند شد.

این اقدامات به شگرت شدن گریگوان‌های اسرائیلی با آغاز درگیری در سه جبهه منجر شوند، چشم‌انداز آشوب منطقه‌ای به اعتبار ترامپ لطمه خواهد زد. آخرین چیزی که ترامپ می‌خواهد، این است که مانند یک «بازنده» به نظر برسد.

در واقع، به نظر می‌رسد که استیو ویتکاف، مشاور ترامپ، در مصاحبه‌اش با تاکر کارلسون در ۲۱ مارس تلاش کرد تا رئیسش را راجت دهد. او گفت ادامه جنگ در غزه برخلاف نظر اکثریت اسرائیلی‌ها است. حتی



آکسیوس فاش کرد

تهران مساله اصلی دیدار ترامپ و نتانیاهو

یک تارنامی آمریکایی نوشت: انتظار می‌رود در سفر روز دوشنبه این هفته بنیامین نتانیاهو نخست‌ وزیر اسرائیل به کاخ سفید، درباره ایران و جنگ غزه گفت و گو شود.

تارنامی آکسیوس به نقل از چهار منبع آگاه از سفر نتانیاهو به واشنگتن نوشت: اگر این دیدار آنچنان که برنامه ریزی شده، انجام شود، نتانیاهو اولین مقام ارشد خارجی خواهد بود که در تلاش برای توافق بر لغو تعرفه‌های ترامپ شخصاً با رئیس‌جمهوری آمریکا مذاکره خواهد کرد. آکسیوس افزود، انتظار می‌رود دو طرف همچنین درباره مسئله هسته‌ای ایران و جنگ غزه گفت و گو کنند. این رسانه به نقل از یک مقام صهیونیستی مدعی شد: نتانیاهو گمان می‌کند که فرصت دستیابی به توافقی هسته‌ای میان آمریکا و ایران اندک است و به دنبال دستیابی به تفاهمی مشترک با ترامپ درباره اقدام نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران در صورت شکست روند دیپلماسی است. ترامپ و نتانیاهو همچنین احتمالاً درباره تلاش‌های مسکو متده برای دستیابی به توافقی جدید درباره تبادل اسرا و آتش بس در غزه مذاکره خواهند کرد. این رسانه آمریکایی فخران نشان کرد نتانیاهو برای انجام این دیدار باید از قنات پرونده محاکمه اش بر سر سرخورد بخواهد تا جلسات استماعی که انتظار می‌رود وی در آنها به شهادت‌های خود ادامه بدهد، لغو کند. منابع مطلع از این سفر نتانیاهو همچنین گفتند که برنامه دیدار وی از کاخ سفید عمدتاً به این دلیل، ممکن است تغییر کند. آکسیوس افزود: (رژیم) اسرائیل با پیشدستی کردن در اعلام این که همه تعرفه‌های کالاهای آمریکایی را لغو می‌کند، تلاش کرد از تعرفه‌هایی که ترامپ علیه تقریباً هر کشور در جهان وضع کرده اجتناب کند.

۱۰۰ دستاورد برای سازمان انرژی اتمی در سال ۱۴۰۳

تداوم رشد و توسعه علمی، فناوری و صنعتی
وی ادامه داد: در سال ۱۴۰۳، نکته حائز اهمیت این بود که توان و پتانسیل ایجاد شده برای پیشبرد تحقیقات نتیجه‌گرا که هویت سازمان را شکل داده است، همچنان شتاب خود را حفظ کرد.

انرژی اتمی ایران با الطاف الهی و همت و پشتکار دانشمندان و متخصصان متعهد خود، سال ۱۴۰۳ را با موفقیت‌های چشمگیری پشت سر گذاشت. این سازمان توانست با حفظ شتاب علمی و فناوری خود، بیش از ۱۰۰ دستاورد مهم در در حوزه‌های مختلف ثبت کند.

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران از رونمایی تازه‌ترین دستاوردهای این سازمان هم‌زمان با روزملی فناوری هسته‌ای در ۲۰ فروردین ماه خبر داد.
محمد اسلامی درباره مهم‌ترین اقدامات این سازمان در سالل ۱۴۰۳ گفت: سازمان

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی سسازمان انرژی اتمی کشورمان گفت، سال ۱۴۰۳ با موفقیت‌های چشمگیری پشت سر گذاشتیم و با حفظ شتاب علمی و فناوری خود، توانستیم بیش از ۱۰۰ دستاورد مهم را در حوزه‌های مختلف ثبت کنیم.